

چکیده :

تحقیق حاضر با هدف « بررسی رابطه بین ترتیب تولد با سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و عملکرد تحصیلی در نوجوانان شهر تهران» به روش توصیفی- تحلیلی صورت گرفته است. جامعه آماری تحقیق دانش آموزان دختر و پسر مقطع دبیرستان شهر تهران می باشند که در سال تحصیلی ۹۰-۹۱ در مناطق بیست گانه شهر تهران در مدارس عادی دولتی مشغول به تحصیل بوده اند که به روش نمونه گیری خوشه ای ۱۵۰ نفر انتخاب شدند. یافته های پژوهش حاکی از این بود که بین ترتیب تولد و مولفه های دلبستگی هیچ رابطه معناداری وجود نداشت و فقط در مولفه ارتباط همبستگی ضعیفی مشاهده شد. همچنین نتایج به دست آمده در مورد رابطه بین ابعاد شخصیت و ترتیب تولد نشان دهنده اختلاف معنی دار بین فراوانی های مشاهده شده و مورد انتظار در متغیر روان گسسته گرایی است که فراوانی ها در بین گروه های مختلفی که دارای ترتیب تولد متفاوتی هستند، اختلاف معنی داری با هم دارند. مقدار کای اسکوئر برای متغیر روان گسسته گرایی ۱۰.۳۳۶ می باشد که با اطمینان ۰.۹۵ و سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵ معنی دار است. این عامل در دانش آموزانی که در خانواده های تک فرزندی متولد شده بودند کمتر مشاهده گردید. به علاوه در عامل برون گرایی دانش آموزانی که خانواده های دارای سه فرزند و بالاتر هستند این عامل نسبتاً بالا مشاهده شد. و در عامل روان آزردن گرایی تفاوتی بین ترتیب تولد دانش آموزان و این عامل مشاهده نشد. همچنین بین ترتیب تولد و عملکرد تحصیلی دانش آموزان نیز تفاوت معناداری وجود ندارد.

کلید واژه ها: ترتیب تولد ، سبک دلبستگی ، ابعاد شخصیت، پیشرفت تحصیلی

فهرست مطالب

فصل اول

- ۱-۱) مقدمه ۸
- ۲-۱) بیان مساله؛ ۸
- ۳-۱) اهمیت و ضرورت پژوهش؛ ۱۲
- ۴-۱) اهداف و سوالات تحقیق؛ ۱۳
- ۴-۱-۱) هدف اصلی ۱۳
- ۴-۱-۲) اهداف فرعی ۱۳
- ۴-۱-۳) سوالات تحقیق: ۱۳
- ۵-۱) متغیر های پژوهش ۱۴
- ۵-۱-۱) تعاریف مفهومی ۱۴
- ۵-۱-۲) تعاریف عملیاتی ۱۵
- ۶-۱) قلمرو پژوهش؛ ۱۶

فصل دوم

- ۱-۲) ادبیات نظری پژوهش؛ ۱۸
- ۲-۲) نظریه ترتیب تولد: ۱۹
- ۳-۲) ترتیب تولد و شخصیت؛ ۲۰
- ۴-۲) مقایسه افراد دارای ترتیب تولد متفاوت؛ ۲۲
- ۴-۲-۱) فرزندان اول: ۲۴
- ۴-۲-۲) فرزندان بعدی: ۲۶
- ۵-۲) فرضیه های ترتیب تولد؛ ۲۶
- ۶-۲) شخصیت، ابعاد شخصیت و نظریه های شخصیت؛ ۳۰
- ۶-۲-۱) نظریه های شخصیت ۳۰
- ۶-۲-۱-۱) نظریه های روان پویایی ۳۰
- ۶-۲-۱-۲) نظریه های یادگیری ۳۴
- ۶-۲-۱-۳) نظریه های آمادگی ۳۵

- ۳۷ (۴-۱-۶-۲) نظریه های انسان گرایی؛
- ۳۸ (۷-۲) مدل پنج عاملی کوستا و مک کری؛
- ۳۹ (۸-۲) پژوهشهای انجام شده در زمینه ابعاد شخصیت؛
- ۴۰ (۹-۲) سبک های دلبستگی؛
- ۴۱ (۱۰-۲) الگوهای دلبستگی
- ۴۳ (۱۱-۲) مراحل شکلگیری دلبستگی
- ۴۴ (۱۲-۲) نظریه های دلبستگی
- ۴۴ (۱-۱۲-۲) مبانی روان پوشی نظریه دلبستگی
- ۴۴ (۲-۱۲-۲) نظریه دلبستگی فروید
- ۴۵ (۳-۱۲-۲) نظریه اریکسون
- ۴۷ (۴-۱۲-۲) نظریه اریک فروم
- ۴۸ (۵-۱۲-۲) مبانی کردارشناختی نظریه دلبستگی
- ۴۹ (۶-۱۲-۲) نظریه جان بالبی
- ۵۱ (۷-۱۲-۲) مبانی رفتار شناختی دلبستگی
- ۵۱ (۷-۱۲-۲) نظریه یادگیری اجتماعی سیرز
- ۵۳ (۱۳-۲) دلبستگی به پدر
- ۵۴ (۱۴-۲) دلبستگی به همسال
- ۵۵ (۱۵-۲) عملکرد تحصیلی
- ۵۶ (۱-۱۵-۲) عملکرد تحصیلی دانش آموزان؛
- ۵۸ (۲-۱۵-۲) معیارهای عملکرد تحصیلی
- ۵۹ (۳-۱۵-۲) عوامل موثر بر عملکرد تحصیلی
- ۶۰ (۴-۱۵-۲) عوامل آموزشی
- ۶۳ (۵-۱۵-۲) سلامت معلمان و عملکرد تحصیلی در مدرسه
- ۶۴ (۱۶-۲) پیشینه پژوهشی؛
- ۶۷ (۱۷-۲) مدل مفهومی پژوهش؛

فصل سوم

- ۳-۱) روش پژوهش ۷۰
- ۳-۲) جامعه و نمونه تحقیق ۷۱
- ۳-۳) نمونه و روش نمونه گیری ۷۱
- ۳-۴) روش های گردآوری اطلاعات ۷۱
- ۳-۵) ابزار جمع آوری داده ها ۷۲
- ۳-۵-۱) پرسشنامه شخصیتی آیزنک؛ ۷۲
- ۳-۵-۲) پرسشنامه دل‌بستگی والدین (IPPA)؛ ۷۳
- ۳-۵-۳) پرسشنامه پیشرفت تحصیلی؛ ۷۳
- ۳-۵-۴) پرسشنامه ترتیب تولد؛ ۷۳
- ۳-۶) شیوه اجرای ابزار پژوهش ۷۴
- ۳-۷) روش تجزیه و تحلیل داده ها ۷۴

فصل چهارم

- ۴-۱) اطلاعات توصیفی ۷۶
- ۴-۲) بررسی استنباطی سؤالات تحقیق ۸۰

فصل پنجم

- ۵) تبیین سؤالات ۸۸
- ۵-۱) سؤال اول ۸۸
- ۵-۲) سؤال دوم ۸۹
- ۵-۳) سؤال سوم ۹۱
- ۵-۴) محدودیت های پژوهش ۹۲
- ۵-۵) پیشنهاد های کاربردی پژوهش ۹۲

منابع و ضمائم

- منابع فارسی ۹۳
- منابع لاتین ۹۷
- پیوست ۱ پرسشنامه شخصیت آیزنک ۱۰۰

پیوست ۲ پرسشنامه دل‌بستگی والدین (IPPA)..... ۱۰۴

چکیده..... ۱۰۶

فهرست نمودارها

نمودار ۱-۱) عوامل موثر بر آموزش و پیشرفت تحصیلی..... ۵۸

نمودار ۱-۲) حدود کیفیت آموزش و پرورش: خانواده، سازمان مدرسه و نیروهای سیاسی (مأخذ: فولر، ۱۳۸۲)..... ۶۲

نمودار ۲-۲) مدل مفهومی پژوهش..... ۶۸

نمودار ۱-۴) تفکیک فراوانی بر اساس زن و مرد..... ۷۷

نمودار ۲-۴) تفکیک فراوانی بر اساس سال تولد..... ۷۸

نمودار ۳-۴) تفکیک فراوانی بر اساس ترتیب تولد..... ۷۹

فهرست جداول

- جدول ۴-۱: تفکیک فراوانی بر اساس زن و مرد ۷۶
- ول ۴-۲: تفکیک فرجداوانی بر اساس سال تولد ۷۷
- جدول ۴-۳: تفکیک فراوانی بر اساس ترتیب تولد ۷۸
- جدول ۴-۴: توصیف نمرات متغیرهای دل بستگی و معدل ۷۹
- جدول ۴-۵: توصیف نمرات مؤلفه های دل بستگی ۷۹
- جدول ۴-۶: آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای ارتباط بین ترتیب تولد با سبک های دل بستگی والدین ۸۰
- جدول ۴-۷: تحلیل واریانس یک طرفه برای تفاوت میزان ابعاد همبستگی به والدین با توجه به متغیر ترتیب تولد ۸۱
- جدول ۴-۸: آزمون کای اسکوئر برای بررسی رابطه بین ترتیب تولد افراد با ابعاد شخصیت ۸۲
- جدول ۴-۹: جدول تقاطعی مقایسه ابعاد شخصیتی با توجه به ترتیب تولد ۸۳
- جدول ۴-۱۰: خلاصه مدل کای اسکوئر و مشخصه های آماری کای اسکوئر به منظور بررسی رابطه بین ترتیب تولد افراد با ابعاد شخصیت دانش آموزان ۸۴
- جدول ۴-۱۱: بررسی شدت رابطه ابعاد با ترتیب تولد با استفاده از مقدار ضریب وی کرامر ۸۴
- جدول ۴-۱۲: آزمون همبستگی اسپیرمن برای بررسی رابطه ترتیب تولد افراد با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان ۸۵
- جدول ۴-۱۳: آزمون تحلیل واریانس یک طرفه برای مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان با توجه به ترتیب تولد آنان ۸۶



فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱) مقدمه

با نگاهی گذرا بر نظریه های مختلف نقش هوش در موفقیت های تحصیلی قابل اثبات است. مطالعات زیادی اثبات کرده اند که هوش یک پیش بینی کننده موفقیت آمیز عملکرد است (بوساتو^۱، پرنس، الشوت و هاماکر، ۲۰۰۰؛ فارسیدز^۲ و وودفیلد، ۲۰۰۳ و چان، ۲۰۰۴). پژوهشگران دریافته اند که پیشرفت تحصیلی تنها پیامد هوش فردی یا امکانات سخت افزاری موجود در محیط نیست، بلکه جنبه های روانشناختی افراد مانند رگه های شخصیت (بوساتو و همکاران، ۲۰۰۰)، سبک های دلبستگی و همچنین ترتیب تولد افراد نیز نقش مهمی دارند.

در ادبیات پژوهش، نقش ویژگی های شخصیتی در موفقیت تحصیلی در مطالعات سنتی بررسی شده است (کتل^۳ و باتچر، ۱۹۶۸؛ آیزنک^۴، ۱۹۸۵). برخی از پژوهشگران معتقدند که آنچه در پژوهش های جدید بیشتر مورد توجه قرار گرفته نفی ارتباط هوش و موفقیت تحصیلی نیست، بلکه تاکید بیشتر بر ترتیب تولد افراد در خانواده و تفاوت هایی نظیر برونگرایی - درون گرایی (پاونن^۵ و آشتون، ۲۰۰۱) و سبک های دلبستگی است که می تواند در این ارتباط اهمیت داشته باشد.

در حالی که چندین مطالعه دیگر نتایج متناقضی را در رابطه با ارتباط بین ترتیب تولد با ابعاد شخصیت، سبک های دلبستگی و پیشرفت تحصیلی بدست آورده اند، اما با توجه به اهمیت این متغیر اساسی (ترتیب تولد) در پیش بینی موفقیت و پیشرفت تحصیلی، ضرورت بررسی و تحلیلشان را ضروری و حیاتی دانسته ساخته است.

۱-۲) بیان مساله؛

در حال حاضر موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از ملاک های نظام های آموزشی کارآمد است و از جمله مسائلی است که افراد زیادی در سطوح مختلف با آن سر و کار دارند. به

^۱ - Busato
^۲ - Farsides
^۳ - Cattell
^۴ - Eysenck
^۵ - Paunonen

همین دلیل تحلیل عوامل موثر بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی و تفحص در عوامل مرتبط با آن یکی از اساسی ترین موضوعات تحقیق در حیطه آموزش و پرورش کنونی می تواند باشد. شناخت و شناسایی عوامل موثر بر پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان موجب می شود تا اقدامات لازم را برای بهبود و افزایش پیشرفت تحصیلی با توجه به عوامل اثر گذار بر آن انجام دهیم.

از عوامل اثرگذار و اساسی ای که در حال حاضر بر روی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و همچنین سبک های دلبستگی و ابعاد شخصیت افراد، موثر واقع می شوند و در تحقیقات صورت گرفته کمتر به طور مستقیم به آن توجه شده است، ترتیب تولد افراد در خانواده می باشد. بنابراین بررسی و تحلیل معنادار ترتیب تولد افراد در خانواده در ارتباط با هریک از این متغیرها (سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و پیشرفت تحصیلی) از مسائل مهم و اساسی گریبان گیر مدارس فعلی می باشد. به طور مثال فرزندان اول در بهره هوشی و پیشرفت تحصیلی (که با هوشبهر همبستگی بالایی دارد) نیز بر فرزندان بعدی برتری دارند. به عنوان نمونه تک فرزندان در میان دانشجویان حضور معنادار دارند (اسپینگ^۱، ۲۰۰۳). یعنی نسبت حضور آنان در دانشگاه، به گونه ای معنادار بیشتر از نسبت آنان در جمعیت کلی است. تک فرزند ها نوع خاصی از فرزندان اول هستند و ویژگی هایی مشابه فرزندان اول دارند (ساتر^۲، ۲۰۰۳).

بنابراین با توجه به نقش حساس و گسترده ترتیب تولد افراد در خانواده و ارتباط آن با سبک های دلبستگی، ویژگی های شخصیتی و همچنین در پیشبرد عملکرد و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در مدرسه و همچنین با توجه به اهمیت موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان در ارتباط با آینده شغلی و کاری آنان، ضرورت توجه به مسائل مرتبط با این متغیرهای اساسی را حیاتی ساخته است. تحقیقات انجام شده در خصوص موفقیت و پیشرفت تحصیلی نشان دهنده نیازم مبرم به توجه به ترتیب تولد افراد در خانواده می باشد.

احمدی (۱۳۸۷) در پژوهشی تحت عنوان رابطه بین ترتیب تولد و پیشرفت تحصیلی در خانواده های دانشجویان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران به بررسی اثرات ترتیب تولد بر

^۱ - Esping

^۲ - Sutter

پیشرفت تحصیلی پرداختند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان دهنده عدم وجود تفاوت معنادار بین فرزندان اول و بعدی در شاخص های پیشرفت تحصیلی می باشد.

لوی ترابی (۱۳۵۸ به نقل از عبدالله پور، ۱۳۸۱) پژوهشی تحت عنوان بررسی رابطه ترتیب تولد و موفقیت تحصیلی و شوق کسب تحصیلات عالی در آزمون ورودی فوق لیسانس مدرسه عالی تلویزیون و سینما انجام داد. گروه مورد مطالعه ۳۹۴ نفر داوطلب ورود به دوره فوق لیسانس مدرسه عالی سینما و تلویزیون بودند. تحلیل نتایج این پژوهش نشان داد که فرزندان اول به نسبتی بیشتر از مورد انتظار در آزمون های ورودی فوق لیسانس مدرسه عالی سینما و تلویزیون پذیرفته شده اند. این تاییدی است براین نکته که فرزندان اول علاقه بیشتری نسبت به فرزندان غیر اول دارند.

پژوهش عبدالله پور (۱۳۸۱) برای بررسی رابطه بین ترتیب تولد فرزندان با میزان بهره هوشی در خانواده های دارای فرزند عقب مانده ذهنی انجام گرفت. نتایج نشان داد که در خانواده های سه و چهار فرزندی بین ترتیب تولد و میزان بهره هوشی تفاوت معنادار وجود ندارد، اما بین ترتیب تولد و میزان هوشبهر در خانواده های پنج فرزندی تفاوت معنی دار وجود دارد، که هوشبهر فرزندان پنجم و چهارم بیشتر از فرزندان سوم، دوم و اول است. بعلاوه در این پژوهش هرچه فاصله سنی بین فرزندان زیادتر بود (۴ یا ۵ سال) میزان بهره هوشی بیشتر می شد.

افروز (۱۳۸۶) مطالعه ای در مورد رابطه ی ترتیب تولد و زمان تولد با شیوع آسیب های جسمی، ذهنی و حسی - حرکتی در کودکان و نوجوانان در نمونه ی ۳۸۵۷ نفر انجام داد که نتایج آن نشان داد که بیشترین درصد فراوانی کودکان استثنایی در مناطق شهری و روستایی کشور در بین فرزندان اول خانواده های چند فرزندی دیده می شود؛ به عبارت دیگر در جوامع شهری و روستایی ایران اولین فرزند خانواده بیش از سایر فرزندان در معرض ابتلاع به انواع آسیب های جسمی، ذهنی و حسی - حرکتی قرار دارد.

ناتال^۱، پولیت و هانت (۱۹۷۶) ویژگیهای خانواده (مثلا حجم خانوار، ترتیب ولد، فاصله سنی کودکان، ازدحام) را در رابطه با پیشرفت تحصیلی بررسی کردند. نتایج نشان داد که با کنترل هوش، پسران خانواده های کوچک نمرات بهتری کسب می کنند و دختران فرزند اول پیشرفت تحصیلی بهتری دارند. لذا رابطه بین ویژگی های خانواده و پیشرفت تحصیلی به جنسیت بستگی دارد.

آیزنک^۲ و کوکسون (۱۹۷۰) حجم خانوار، ترتیب تولد، اشتغال والدین و توجه والدین را در ارتباط با شخصیت، هوش و پیشرفت تحصیلی ۴۰۰۰ آزمودنی ۱۱ ساله بررسی کردند. نتایج نشان داد که: الف) خانواده های کوچکتر با کودکان باهوش تر، برونگرتر و کمتر نوروپیک رابطه دارند. ب) اشتغال والدین با برونگرایی، ثبات، هوش و پیشرفت کودکان مرتبط است. ج) توجه والدین با برونگرایی، هوش و پیشرفت رابطه دارد. د) فرزند اول عملکرد بهتری در مدرسه دارد، اما شخصیت و توانایی با فرزندان بعدی تفاوتی ندارند.

پالوس^۳، ترانپل و چن (۱۹۹۹) تاثیرات ترتیب تولد را بر شخصیت و پیشرفت در چهار مطالعه شامل نمونه های دانش آموزان و بزرگسالان بررسی کردند. به وسیله جمع آوری داده های درون گروهی، تعداد زیادی از متغیرها کنترل شدند. آزمودنی ها در ابعاد زیادی از شخصیت و پیشرفت با همشیرهایشان و خودشان مقایسه شدند. نتایج نشان داد که فرزندان اول دارای پیشرفت بیشتر و با وجدان تر بودند. فرزندان بعدی نافرمان، آزادیخواه و خوشایند بودند. نتایج زمانی هم که ترتیب تولد برجسته نبود تفکرات قالبی را فعال نمی کرد، تغییری نکردند و یکسان بودند.

بنابراین با توجه به ادبیات و پیشینه های پژوهشی ذکر شده مبنی بر اینکه عملکرد و موفقیت تحصیلی و سبک های دلبستگی افراد به تنهایی متأثر از هوش افراد نیست بلکه متغیرهای دیگری از قبیل ترتیب افراد در خانواده در این موفقیت و پیشرفت، این تأثیر را کاملتر می کنند. پژوهش حاضر نیز به بررسی رابطه بین ترتیب تولد افراد با سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد تا خلأ پژوهشی در این زمینه را تا حدودی بر طرف نماید.

^۱ - Nuttal

^۲ - Eysenck

^۳ - Paulhus

۳-۱) اهمیت و ضرورت پژوهش؛

از ملاک های اثربخشی سازمان مدرسه، پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است که تحت تاثیر عوامل مختلف قرار دارد. با نگاهی گذرا بر نظریه های مختلف، نقش هوش در موفقیتها و عملکرد تحصیلی دانش آموزان قابل اثبات است. از طرف دیگر مطالعات زیادی نیز اثبات کرده اند که هوش تنها پیش بینی کننده موفقیت آمیز عملکرد تحصیلی نیست. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده می توان گفت که علاوه بر نقش هوش در پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش آموزان، ترتیب تولد افراد در خانواده نقش فعال و تعیین کننده ای دارد. ترتیب تولد افراد در خانواده همچنین بر سبک های دلبستگی و ابعاد شخصیت افراد که از عوامل اساسی پیشرفت تحصیلی می باشد، اثر می گذارد. اگر در ضمن فعالیت های مدرسه به این متغیرها توجه شود بدون شک این فعالیت ها بهتر انجام خواهد شد و به تبع آن عملکرد تحصیلی دانش آموزان نیز بهتر خواهد شد.

به عبارت دیگر میزان عملکرد تحصیلی دانش آموزان یکی از نشانه های موفقیت و عدم موفقیت سازمان مدرسه است. موفقیت و عدم موفقیت سازمان مدرسه نیز به میزان زیادی تحت تاثیر موفقیت و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و این پیشرفت نیز به طور انکار ناپذیری تحت تاثیر ویژگی های شخصیتی افراد قرار دارد. بنابراین با توجه به مطالب گفته شده و همچنین با توجه به نقش انکار ناپذیر ترتیب تولد افراد در خانواده و ارتباط آن با ویژگی های شخصیتی، سبک های دلبستگی و همچنین در ارتقاء و افزایش پیشرفت تحصیلی دانش آموزان از یک طرف و همچنین کمبود پژوهش و تحقیقات صورت گرفته در رابطه با متغیرهای نامبرده (ترتیب تولد با ابعاد شخصیت، سبک های دلبستگی، پیشرفت تحصیلی) در ایران ضروری است که به طور جدی بررسی و تحلیل این متغیرها در مدارس آغاز شود. در همین ارتباط پژوهش حاضر در راستای پر کردن خلاء ناشی از کمبود تحقیق در رابطه با ارتباط بین ترتیب تولد با سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و عملکرد تحصیلی انجام گرفته است.

۴-۱) اهداف و سوالات تحقیق؛

۱-۴-۱) هدف اصلی

مشخص کردن رابطه بین ترتیب تولد افراد با سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و عملکرد تحصیلی دانش آموزان

۱-۴-۲) اهداف فرعی

مشخص کردن رابطه بین ترتیب تولد با سبک های دلبستگی دانش آموزان

مشخص کردن رابطه بین ترتیب تولد با ابعاد شخصیت دانش آموزان

مشخص کردن رابطه بین ترتیب با عملکرد تحصیلی دانش آموزان

۱-۴-۳) سوالات تحقیق :

سوال اصلی:

آیا بین ترتیب تولد افراد با سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و عملکرد تحصیلی رابطه وجود دارد؟

سوالات فرعی:

۱) آیا بین ترتیب تولد افراد با سبک های دلبستگی دانش آموزان نوجوان رابطه وجود دارد؟

۲) آیا بین ترتیب تولد افراد با ابعاد شخصیت دانش آموزان نوجوان رابطه وجود دارد؟

۳) آیا بین ترتیب تولد افراد در خانواده با عملکرد تحصیلی دانش آموزان نوجوان رابطه وجود دارد؟

۱-۵) متغیر های پژوهش؛

متغیر یک مفهوم است که بیش از دو یا چند ارزش یا عدد به آن اختصاص داده می شود. به عبارت دیگر متغیر به ویژگی هایی اطلاق می شود که می توان آنها را مشاهده یا اندازه گیری کرد، و دو یا چند ارزش یا عدد را جایگزین آنها نمود. عدد یا ارزش نسبت داده به متغیر، نشان دهنده تغییر از یک فرد به فرد دیگر یا از یک حالت به حالت دیگر است (دلاور، ۱۳۸۵: ۵۸).

به بیان دیگر مفهوم متغیر پژوهش با وجود سادگی ظاهری آن، یکی از مفاهیم اساسی و حتی حیاتی در آمار است (هومن، ۱۳۸۶). متغیر یک ویژگی از محیط فیزیکی، یا اجتماعی است که بعد از انتخاب، دخالت یا دستکاری شدن توسط محقق مقادیری را می پذیرد تا تاثیرش بر روی متغیر دیگر مشاهده شود (مقیم، ۱۳۸۷). این تاثیرگذاری می تواند به صورت مثبت یا منفی باشد (هومن، ۱۳۸۶). در پژوهش حاضر ترتیب تولد، سبک های دلبستگی، ابعاد شخصیت و پیشرفت تحصیلی به عنوان متغیر وجود دارند.

۱-۵-۱) تعاریف مفهومی

تعریف مفهومی در تعریف یک واژه از واژه های انتزاعی و ملاک های فرضی استفاده می شود. این نوع تعریف به شناسایی ماهیت یک پدیده کمک نموده و نقش مهمی را در فرایند منطقی تدوین فرضیه ایفا می کند. (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴).

ترتیب تولد:

مکان ترتیبی یک کودک (مثلا فرزند اول، فرزند دوم، فرزند میانی یا کوچکترین فرزند) در یک خانواده خاص (کورسینی، ۱۹۹۹).

دل‌بستگی:

دل‌بستگی به پیوند عاطفی بین کودک و مراقب وی اطلاق می‌شود که با جستجو کردن، درآمیختن و میل به بودن در کنار مراقب مشخص می‌گردد (کاپلان^۱ و بنیامین، ۱۹۹۱).

شخصیت:

الگوهای پایدار رفتاری در فرآیند تحولی که در ارتباط با محیط و اجتماع شکل می‌گیرد که به روانشناسان کمک می‌کند تا از طریق این الگوهای پایدار رفتاری به ویژگی‌های افراد دسترسی پیدا کند (شولتز، دوان، ۲۰۰۵). تعریف دیگر آن به آن دسته از ویژگی‌های فردی اشاره دارد که با الگوهای ثابت رفتاری مشخص می‌شوند (پیروین^۲، ۱۳۷۳).

عملکرد تحصیلی:

معلومات و یا مهارت‌های اکتسابی (عمومی یا اختصاصی) در موضوعات درسی که معمولاً به وسیله آزمون‌ها یا نشانه‌ها یا هر دو که معلمان برای دانش‌آموزان وضع می‌کنند اندازه‌گیری می‌شود.

۱-۵-۲) تعاریف عملیاتی

تعریف عملیاتی فعالیت‌های محقق را در اندازه‌گیری یا دستکاری یک متغیر مشخص می‌سازد (سرمد و همکاران، ۱۳۸۴)

ترتیب تولد:

ترتیب تولد در پژوهش حاضر با توجه به نحوه پاسخ‌دهی فرد در پرسشنامه سنجیده می‌شود.

^۱ - Kaplan

^۲ - Pevin

دل‌بستگی:

سبک های دل‌بستگی در پژوهش حاضر با توجه به پاسخ های فرد در پرسشنامه سبک های دل‌بستگی (IPPA) سنجیده می شود.

شخصیت:

شخصیت در پژوهش حاضر با توجه به نمره کسب شده فرد در پرسشنامه آیزنک سنجیده می شود.

عملکرد تحصیلی:

عملکرد تحصیلی در پژوهش حاضر با توجه میانگین معدل سال گذشته فرد در سال تحصیلی ۸۹-۹۰ سنجیده می شود.

۱-۶) قلمرو پژوهش؛

پژوهش حاضر با توجه به متغیرهای مورد بحث در سه قلمرو موضوعی، مکانی و زمانی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. از نظر قلمرو موضوعی این پژوهش، مباحث ترتیب تولد افراد در خانواده، سبک های دل‌بستگی، ابعاد شخصیت و همچنین عملکرد تحصیلی دانش آموزان را در بر می گیرد. از نظر قلمرو مکانی پژوهش حاضر با توجه به مکان مورد بررسی برای انجام تحقیق، دبیرستان های آموزش و پرورش شهر تهران را شامل می شود. همچنین از نظر زمانی نیز پژوهش حاضر در محدوده زمانی نیم سال دوم سال ۱۳۹۰ انجام گرفته است و این قلمرو زمانی را در بر می گیرد.

فصل دوم:

مبانی نظری و

پیشینه پژوهش

ترتیب تولد:

۲-۱) ادبیات نظری پژوهش:

مبحث ترتیب تولد یا جایگاه ترتیبی فرد در میان همشیره‌هایش، در حیطه کار روانشناسی رشد و روانشناسی شخصیت قرار دارند. در این دو شاخه از روانشناسی، دانشمندان به دنبال عوامل یا متغیرهای اثرگذار بر ویژگی‌های فرد می‌باشند. ویژگی‌های فرد را در یک تقسیم‌بندی می‌توان به دو بخش ویژگی‌های شخصیتی و ویژگی‌های مربوط به توانایی‌های فرد (هوش و عملکرد) تقسیم کرد. از جمله عواملی که روانشناسان آن را در هوش و شخصیت افراد موثر یافته‌اند، ترتیب تولد است.

ویلیامز^۱ (۱۹۸۸ ترجمه به پژوه و همکاران، ۱۳۷۵) ترتیب تولد را اینگونه تعریف کرده‌اند: ترتیبی که کودکان یک خانواده متولد می‌شوند. موقعیت کودک در ترتیب تولد و قرار گرفتن او بین خواهران و برادران بر برخی از جنبه‌های رشد کودک تاثیر می‌گذارد. به عنوان نمونه، تصور می‌شود که فرزندان اول در مقایسه با سایر فرزندان در موقعیت‌های بعدی ترتیب تولد باهوشتر، وظیفه‌شناس‌تر، خودرایی‌تر و آرام‌تر هستند. یکی از دلایل آن، این است که کمیت و کیفیت تعامل والدین و خواهران و برادران با کودکان مختلف در موقعیت‌های مختلف ترتیب تولد متفاوت است.

در دیدگاه سالوی^۲ (۲۰۰۱) سیستم پویای خانوادگی و ترتیب تولد تعامل‌های که به عمل می‌آید موجب رفتارهای خاص و تربیتی و ویژگی‌های شخصیت خاصی در فرزندان می‌شود.

کورسینی^۳ (۱۹۹۹) ترتیب تولد را اثر ترتیب تولد و نظریه ترتیب را جداگانه تعریف می‌کند:

ترتیب تولد: مکان ترتیبی یک کودک (مثلاً فرزند اول، فرزند دوم، فرزند میانی یا کوچکترین فرزند) در یک خانواده خاص.

^۱ - Viliams
^۲ - Sulloway
^۳ - Corsini

اثر ترتیب تولد: (آر. زایونک) تحقیقاتی که نشان می دهند فرزندان اول و تک فرزندان گرایش دارند که پیشرفا زیادی داشته باشند. هر چقدر حجم خانواده بیشتر باشد، میانگین بهره هوشی کودکان کمتر است.

۲-۲) نظریه ترتیب تولد:

دیدگاهی که اول بار وسط آلفرد آدلر مطرح شد جایگاه زمانی در منظومه خانواده عاملی مهم در تحول شخصیت است. برای مثال آدلر معتقد بود که بزرگترین کودک عموماً محافظه کار خواهد بود، کودکان میانی سرخورده و کوچکترین کودک یا در آینده توجه و کمک فراوان انتظار خواهد داشت یا تکانه ای قوی برای پیشی گرفتن از دیگران تحول خواهد داد. پژوهش های بعدی نشان دادند که نگرش های والدین ممکن است هیچ ربطی به مکان ترتیبی کودک در خانواده نداشته باشند (احمدی، ۱۳۸۹).

از نظر پور افکاری (۱۳۸۰) ترتیب ولادت از تاثیر ترتیب ولادت متفاوت است. بچه اول خانواده از نظر تحصیلی بیشتر به فکر موفقیت است تا بچه های دوم و سوم. والدین نیز به بچه اول بیشتر می پردازند اما در عین حال مرلقبت خود از او در مقایسه با سایر بچه هایشان نگرانی بیشتری احساس می کنند. مهذا اگر فاصله بچه ها با هم خیلی کم باشد، ممکن است وقت کافی برای نوازش و پرداختن به کودکان باقی نماند. بالاخره از راه رسیدن بچه ای تازه نه تنها بر والدین بلکه بر کودکان دیگر خانواده نیز اثر می کند. به طور کلی بچه اول معمولاً موفق ترین کودک خانواده بوده و رفتار آمرانه تری دارد. بچه میانی کمترین توجه را در خانه بدست آورده و ممکن است این کمبود را با ایجاد روابط قوی با دوستان و همسالان جبران کند. بچه آخر غالباً توجهی بیش از حد بدست آورده و لوس و نر می شود.

۲-۳) ترتیب تولد و شخصیت؛

تبیین های فیزیولوژیکی، اقتصادی، روانی اجتماعی و جمعیت شناختی از تفاوت های مشاهده شده میان افراد دارای ترتیب تولد متفاوت به عمل آمده است که بخش اعظم آنها سعی در توضیح چرایی برتری فرزندان اول در زمینه های گوناگون نسبت به فرزندان بعدی دارند. اکثریت این الگوهای تبیینی بر نحوه تعامل والدین و فرزندان تمرکز یافته اند. در مقابل عده ای دیگر معتقدند که علت تفاوت های شخصیت کودکان دارای ترتیب تولد مختلف رفتار متفاوت والدین با آنهاست، بلکه رقابت بین همشیرها برای دستیابی به یک موقعیت مناسب در خانواده است (پاولوس^۱، ترانپل و چن، ۱۹۹۹ به نقل از احمدی، ۱۳۸۹). بدین صورت که فرزندان اول ابتدا موقعیت مناسبی دارند اما با از راه رسیدن فرزندان بعدی ناچار می شوند از این موقعیت خود دفاع کنند و به همین دلیل شخصیت با وجدان و محافظه کار پیدا می کنند. فرزندان بعدی در مبارزه با جایگاه قدرت فرزندان اول، سعی دارند در متفاوت جلوه دادن خود در نظر والدین دارند و لذا همدل، هنجارشکن، مساوات طلب و ضد اقتدار می شوند و خلاصه به دنیا آمده اند که سرکشی کنند.

تحقیقات روانشناسان نشان می دهد که فرزندان اول انگیزش پیشرفت زیادی دارند. از میان اولین ۲۳ فضاوردی که به فضا فرستاده شدند، ۲۱ نفرشان فرزند اول بودند. فرزندان اول هدفمند، بسیار موفق، کمال طلب، مسول، منظم، قانون مدار، مصمم و دقیق هستند. در مدرسه فرزندان اول گرایش بیشتری به کار سخت برای نمره نسبت به فرزندان آخر دارند، آنها اغلب رقابتی تر هستند و آرزوهای تحصیلی و شغلی بالاتری دارند. تک فرزندها به عنوان نوع خاصی از فرزندان اول در نظر گرفته می شوند. آنها معمولا همان ویژگی ها را دارند که فرزندان اول دارای همشیر دارا هستند. بهترین توصیف از فرزندان میانی عبارت است از متعادل. آنها میانجی های خوبی هستند و مهارت های همکاری فوق العاده ای دارند، آنها دارنده انحصاری والدین خود نیستند، لذا یاد می گیرند که به گفتمان و مصالحه پردازند. به همین دلایل هم، مدیران و رهبران عالی از آب در می آیند. آنها انعطاف پذیر، سیاسی، صلح طلب، سخاوتمند، اجتماعی و رقابتی هستند. کوچکترین فرزندان خانواده نوعا خوش معاشرت هستند و در انگیزه دادن به دیگران موفق تر هستند، آنان همچنین مهربان، قابل

^۱ - Paulhus